

جمعیت‌شناسی بیه‌زنان در ایران بر اساس آمارگیری‌ها و سرشماری‌ها

مهدی امانی*

به کسانی که همسر خود را بر اثر فوت از دست داده‌اند بیه‌ه اطلاق می‌شود. بیوگی یکی از وضعیت‌های چهارگانه زناشویی متعکس در نشریات سرشماری است. از آنجایی که احتمال ازدواج مجدد پس از فوت همسر برای زنان کمتر از مردان است، بیوگی در مورد زنان نمود بارزتری پیدا می‌کند. در این مقاله تلاش در جهت ارائه تصویری از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بیه‌زنان و روند تغییر و تحولات آن بر اساس آمارگیری‌ها، به‌ویژه سرشماری‌های انجام شده در کشور، صورت گرفته است. روند تحولات شمار و حجم بیه‌زنان و علل و عوامل مؤثر بر آن، ساختمان و توزیع سنی بیه‌زنان، سواد و بیوگی زنان، شهرنشینی بیه‌زنان و بالاخره میانگین سال‌های زندگی زناشویی و سن بیه‌شدن زنان از جنبه‌هایی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. فزونی بارز نسبت درصد زنان بدون همسر بر اثر فوت در مقایسه با مردان و افزایش آن در سال ۱۳۶۵ به سبب جنگ تحمیلی، کم شدن دامنه درصد بیه‌زنان در فاصله سنی ۱۵ تا ۶۵ سالگی به سبب افزایش امید زندگی مردان، افزایش تدریجی میانگین سنی بیه‌زنان، تأثیر مثبت سواد بر طول زندگی زناشویی و به تأخیر افتادن بیوگی زنان و فزونی شهرنشینی بیه‌زنان نسبت به شهرنشینی کل جمعیت از جمله یافته‌های اساسی این بررسی بوده است.

واژگان کلیدی: وضعیت زناشویی، بیوگی، بیه‌زنان، سرشماری، سواد، شهرنشینی، سال‌های شوهرداری و سن بیوگی

* استاد دانشگاه تهران. amanimed@yahoo.fr

مقدمه و کلیات

از عناصر تشکیل‌دهنده جمعیت کشور مجموعه آماری بیه‌زنان است که علی‌رغم تعداد نسبی قلیل، نظر به سن بالا و پیرسنی آنان و نقشی که طی دوران همسرداری و باروری در تداوم و بقای جمعیت کشور و نیز انتقال فرهنگ و سنت از نسل خود به فرزندانشان داشته‌اند و نیز تحمل زندگی بی‌بار و همسر دوران بیوگی شایان‌گرایی داشت و حائز اهمیت است.

معمولاً بیشترین توجه پژوهشگران جمعیت و نیز سازمان‌های تدوین و تحلیل آمارهای جمعیتی به فصول متعارف علم جمعیت مانند: تولد، مرگ، ازدواج، طلاق، مهاجرت، شهرنشینی، اشتغال و پیش‌بینی‌های جمعیتی معطوف است. این تمرکز توجه و نگرش گرچه مفید و موجه است لیکن شامل تمامی طیف وسیع مسایل و ابواب جمعیتی نمی‌شود.

مبحث بیه‌زنان از موارد و عناصر مهم این طیف وسیع است. از مطالب مندرج در نشریات سرشماری، موضوع چهار وضعیت متعارف زناشویی در جمعیت ده ساله به بالای مردان و زنان در زمان سرشماری است. این چهار وضعیت عبارت‌اند از: دارای همسر، بی‌همسر در اثر فوت، بی‌همسر بر اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده. از این چهار عنوان وضعیت بیوگی زنان (و در حقیقت بی‌همسری بر اثر فوت شوهر) جنبه طبیعی و خالص دموگرافیک داشته و خارج از اراده زن و منتج از مرگ شوهر است و طبیعی است که با افزایش عمر شوهر، همسر او دیرتر بیه‌زن می‌شود. در حالی که سه وضعیت دیگر بیشتر جنبه ارادی داشته و تحت تأثیر عوامل و ایجابات اجتماعی، سنتی و اقتصادی جامعه است.

در این مقاله موضوع بیه‌زنان در ایران از دیدگاه جمعیت‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که مردان و زنان ممکن است پس از قطع وضعیت همسرداری (در نتیجه طلاق یا فوت همسر) به دفعات در وضعیت‌های مختلف زناشویی مانند ازدواج مجدد، طلاق، بیوگی، ازدواج مجدد و نظایر آن قرار گیرند که گزارش این تسلسل وضعیت در حیطه کار سرشماری‌ها نیست. با این که توجه به این امر نفساً دارای اهمیت اجتماعی و جمعیت‌شناختی است، در برخی آمارگیری‌های موردی و متمرکز روی مسایل زناشویی، این تاریخچه و تسلسل وضعیت زناشویی ممکن است مورد پرسش و تحلیل قرار گیرد. از آن جمله در آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۷۰، انجام شده توسط سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت و درمان، چنین گزارش شده است که تا زمان آمارگیری و بررسی، ۷/۶ درصد مردان و ۳/۳ درصد زنان بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند که به این ترتیب اهمیت نسبی مردان چند بار ازدواج کرده نسبت به وضع مشابه زنان بیش از دو برابر بوده است.

به هر حال با این که این تسلسل و تغییرات وضع زناشویی افراد از دقت و قطعیت داده‌های سرشماری‌ها در زمینه وضع زناشویی تا حدی می‌کاهد، با این وجود بررسی و پژوهش‌ها روی

نتایج سرشماری‌ها در باب زناشویی می‌تواند اطلاعات و آگاهی‌های اصیل و پرارزشی در این زمینه به دست دهد.^۱

جهت آگاهی عمومی در زمینه موضوع این مقاله، وضعیت بیوگی زنان و مردان در کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ (۴۷ سال) بر اساس داده‌های سرشماری‌ها و آمارگیری‌های جامع در جدول شماره ۱ منعکس شده است.

جدول ۱. درصد زنان و مردان ۱۰ ساله به بالای بی‌همسر در اثر فوت همسر از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲

۱۳۸۲		۱۳۷۵		۱۳۷۰		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵*	
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱/۲	۵/۹	۱	۶/۱	۱/۴	۶	۱/۳	۷/۱	۱/۳	۸/۱	۱/۷	۱۰/۸	۳/۵	۱۵

* در سال ۱۳۳۵ وضعیت زناشویی برای افراد ۱۵ ساله به بالا و از سال ۱۳۴۵ به بعد برای افراد ۱۰ ساله به بالا پرسش و گزارش شده است.

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

آمار دیگری که از بیوگی زنان در ایران در دست داریم (مربوط به قبل از سرشماری‌های عمومی است) سرشماری ۱۳۱۱ تهران و نیز آمارگیری سال ۱۳۲۹ دهات جنوب غرب تهران (نراقی ۱۹۶۰) است که نتایج آن در جدول شماره ۲ گزارش شده است:

جدول ۲. درصد زنان و مردان ۱۰ ساله به بالای بی‌همسر در اثر فوت همسر در مناطقی از تهران،

۱۳۱۱* و ۱۳۲۹**

بی‌همسر بر اثر فوت همسر		سال
درصد زنان	درصد مردان	
۱۴/۹	۱/۵	شهر تهران ۱۳۱۱
۱۲/۳	۱/۲	دهات جنوب غرب تهران ۱۳۲۹

* بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۱۱ تهران

** نراقی ۱۹۶۰

۱. توجه: برای تسهیل دستیابی به وضعیت زناشویی در نتایج سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها شماره ترتیب جداول وضعیت زناشویی در نشریات مذکور نقل می‌گردد. در سال ۱۳۳۵ جدول شماره ۵، سال ۱۳۴۵ جدول شماره ۴، سال ۱۳۵۵ جدول شماره ۷، سال ۱۳۶۵ جدول شماره ۳۰، سال ۱۳۷۰ جدول شماره ۶، سال ۱۳۷۵ جدول شماره ۳۲ و سال ۱۳۸۲ جدول شماره ۹ به وضعیت زناشویی دو جنس اختصاص دارد.

ملاحظه می‌شود که به ترتیب ۲۴ سال و ۶ سال قبل از اولین سرشماری کشور در سال ۱۳۳۵ میزان بی‌همسری مردان بر اثر فوت زوجه در حدود میزان آن طی ۴۷ سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ است و ضمناً درصد زنان بی‌همسر بر اثر فوت شوهر از رقم مربوط به سال ۱۳۳۵ فاصله زیادی ندارد.

به‌طور کلی نخستین امری که در مقایسه مردان و زنان طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ به چشم می‌خورد ثبات تقریبی درصد مردان بی‌همسر بر اثر فوت زوجه در زمان هر یک از سرشماری‌هاست. به طوری که دامنه تغییرات این درصد نزد مردان به‌خصوص از ۱۳۴۵ به بعد ۱ درصد تا ۱/۷، یعنی ۰/۷ رقم اختلاف بیشتر نیست. در حالی که نزد زنان برای کل دوره ۴۷ ساله مورد بررسی، این دامنه از ۱۵ درصد تا ۵/۹، یعنی ۹/۱ اختلاف است. می‌توان گفت که از علل مهم این تفاوت دامنه نزد دو جنس آن است که احتمال ازدواج مجدد برای مردان و حتی مردان مسن همسر فوت شده و تبدیل وضعیت آنان به همسر دار بیشتر از احتمال ازدواج مجدد بیوه زنان است. به عبارت دیگر برعکس مردان بیوه، بیوگی زنان به‌ویژه در سنین نسبتاً بالا امری قطعی‌تر و غیرقابل تبدیل به وضعیت همسر دار است. به این ترتیب احتمال ضعیف ازدواج مجدد بیوه‌زنان تأثیر چندانی بر درصد و وضعیت بیوگی آنان ندارد و میزان همسر داری زنان در سنین بالا همیشه در حد پایین‌تر از میزان مربوط به مردان است.

در این رابطه داده‌های سرشماری‌ها و آمارگیری‌های جمعیتی تأثیر نسبی ازدواج مجدد مردان را در سنین نسبتاً بالا، که به شکل برتری و ثبات درصد مردان همسر دار ۶۵ ساله به بالا نسبت به زنان همین گروه سنی متجلی می‌شود، تأیید می‌کند.

جدول شماره ۳، درصد مردان و زنان همسر دار ۶۵ ساله به بالا را از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ ارائه می‌نماید:

جدول ۳. درصد مردان و زنان همسر دار ۶۵ ساله به بالا طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲

درصد افراد همسر دار ۶۵ ساله به بالا		تاریخ سرشماری یا آمارگیری
مرد	زن	
۸۱	۲۶	۱۳۳۵
۸۶	۲۶	۱۳۴۵
۸۶	۲۳	۱۳۵۵
۸۵	۳۶	۱۳۶۵
۸۸	۴۲	۱۳۷۵
۸۸	۴۶	۱۳۸۲

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جدول فوق در مقابل ۷ رقم افزایش درصد مردان همسر دار

طی ۴۷ سال، افزایش مربوط به زنان رقم ۲۰ است. می‌توان گفت که اولاً جوان‌تر بودن بارز زنان نسبت به شوهران خود به هنگام ازدواج و ثانیاً بالاتر بودن متوسط عمر زنان نسبت به مردان موجب می‌شود که در سنین ۶۵ ساله به بالا اکثریت بزرگی از مردان در حالت همسر دار باقی بمانند، در حالی که نزد زنان ۶۵ ساله به بالا تأثیر این دو عامل برعکس است، بدین معنی که شوهران مسن‌ترند و عمر متوسط آنان پایین‌تر است. نتیجه آنکه مردان خیلی دیرتر از زنان در حالت بیوگی قرار می‌گیرند و در این رابطه میزان همسر داری مردان ۶۵ ساله به بالا به‌طور معنی دار بیشتر از میزان مربوط به زنان متجلی می‌شود. در مورد زنان همسر دار ۶۵ ساله به بالا بایستی این مطلب را افزود که در سال ۱۳۳۵ یک زن ۶۵ ساله مدت‌ها قبل از ۶۵ سالگی، شوهر خود را از دست داده و بیوه شده است، زیرا در سال ۱۳۳۵ عمر متوسط مردان در ایران حدود ۴۵ تا ۴۸ سال بوده و به احتمال قوی در تاریخ آغاز بیوگی این زن ۶۵ ساله، عمر متوسط شوهر او به مقدار بارزی کمتر از ۴۵ یا ۴۸ سالگی و حتی زیر ۴۰ سال بوده است. لیکن رفته‌رفته با افزایش عمر متوسط مردان، زنان دیرتر بیوه می‌شوند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که بر اثر افزایش مداوم طول عمر مردان (و همچنین زنان) در آینده نزدیک، درصد بیوه زنان ۶۵ ساله به بالا باز هم کاهش می‌یابد و بیوگی آنان در سنین کاملاً بالاتر صورت خواهد پذیرفت.

ساختمان سنی بیوه‌زنان

بر اساس داده‌های سرشماری و برخی آمارگیری‌های جمعیتی کشور، می‌توان ساختار سنی استاندارد بیوه‌زنان ۱۰ ساله به بالا را تدوین نمود که جدول شماره ۴ نمایشگر آن است. از این ساختار سنی چنین برمی‌آید که درصد بیوه‌زنان کمتر از ۴۰ ساله که در سرشماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ (یعنی در شرایط غیرجنگی) در سطح ثابت ۷/۲ درصد بوده در سال ۱۳۶۵ (شرایط جنگی) به ۱۰/۵ درصد افزایش یافته و سپس دوباره در وضعیت غیرجنگی به کاهش میل کرده و در سال ۱۳۷۵ به رقم ۸/۵ درصد تنزل یافته و بالأخره در سال ۱۳۸۲ به رقمی نازل‌تر یعنی ۷ درصد رسیده است.

نکته جالب این‌که در احصای نفوس تهران در سال ۱۳۱۱ شاهد جوان‌سالی شدید بیوه زنان ۱۰ سال به بالا هستیم. به طوری که سهم بیوه‌زنان زیر ۴۰ سال تهران به کل بیوه‌زنان در آن تاریخ، یعنی ۳۴ سال قبل از ۱۳۴۵، در حد ۱۵/۷ درصد بود. به زبان دیگر مقدار این شاخص در سال ۱۳۱۱ بیانگر بالاتر بودن سن مردان از زنان به هنگام ازدواج و همچنین بیش از دو برابر رقم متناظر آن در سال ۱۳۴۵ بوده است (جدول شماره ۵). این جوان‌گرایی شدید بیوگی زنان تهران در سال ۱۳۱۱ می‌تواند مترجم و نشانگر بالاتر بودن سن مردان از زنان به هنگام ازدواج و

همچنین پایین بودن قابل ملاحظه طول عمر مردان و شوهران پایتخت در آن تاریخ تلقی گردد. شتاب‌گیری و سرعت افزایش میزان بیوگی زنان با افزایش سن و در واقع پیروگرایی آن نیز قابل توجه و جالب است. در این زمینه ساختمان سنی استاندارد (جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که از سن ۴۰ سالگی به بالا درصد بیوه زنان کشور سرعت و شتاب بسیار می‌یابد.

جدول ۴. ساختمان سنی استاندارد بیوه زنان کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ (درصد)

سال	۱۳۳۵*	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۲
گروه‌های سنی							
۱۴-۱۰	۰	۰	۰	۰/۲	۰/۵	۰/۲	۰/۰
۱۹-۱۵	۰/۲	۰/۲	۰/۳	۰/۷	۰/۵	۰/۳	۰/۲
۲۴-۲۰	۰/۷	۰/۶	۰/۸	۱/۴	۱/۰	۰/۶	۰/۴
۲۹-۲۵	۳/۸	۰/۱	۱/۲	۲/۱	۱/۷	۱/۳	۱/۰
۳۴-۳۰		۲/۱	۱/۸	۲/۷	۲/۷	۲/۳	۲/۰
۳۹-۳۵	۹/۹	۳/۳	۳/۱	۳/۴	۳/۶	۳/۸	۳/۴
۴۴-۴۰		۶/۳	۵/۹	۴/۲	۴/۶	۵/۳	۶/۰
۴۹-۴۵	۲۴/۴	۶/۷	۸/۲	۶/۶	۵/۷	۶/۴	۷/۵
۵۴-۵۰		۱۲/۸	۱۴/۰	۱۰/۴	۹/۳	۷/۵	۹/۲
۵۹-۵۵	۲۹/۱	۸/۶	۱۰/۳	۱۳/۷	۱۲/۱	۹/۳	۹/۷
۶۴-۶۰		۲۰/۹	۱۴/۷	۱۷/۰	۱۷/۷	۱۲/۸	۱۲/۸
۶۵+	۳۱/۹	۳۷/۵	۳۹/۶	۳۷/۶	۴۰/۶	۴۹/۲	۴۷/۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

* در سرشماری ۱۳۳۵ گروه‌های سنی از ۲۵ سالگی به بعد ده ساله ارائه شده است.

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

با بررسی موشکافانه‌تر در زمینه نقطه عطف شتاب‌گیری میزان بیوگی زنان می‌توانیم به تحول این امر در طول زمان کوتاه ۳۰ تا ۴۰ سالگی پی ببریم. در این زمینه محاسبه درصد بیوه زنان تا ۳۰ سالگی و سپس ۴۰ سالگی این فرضیه را تقویت می‌کند که نقطه عطف و بحرانی تشدید و سرعت بیوگی در کشور ما بر اساس سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ سالگی قرار دارد. به طوری که اهمیت نسبی این وضعیت از ۳۰ سالگی تا ۴۰ سالگی زنان تا حدود ۴ برابر افزایش می‌یابد. مثلاً در سرشماری ۱۳۷۵ در حالی که میزان بیوه‌زنان تا ۳۰ سالگی مساوی ۲/۴ درصد بوده این میزان تا ۴۰ سالگی به ۸/۵ درصد صعود می‌کند (یعنی ۳/۵ برابر بیشتر). جدول شماره ۵ شتاب‌گیری میزان بیوگی زنان را از ۳۰ سالگی به ۴۰ سالگی نشان می‌دهد.

استثنائاً در سال ۱۳۶۵ در بحبوحه جنگ تحمیلی و به علت حضور تعداد کثیری از جوانان (شمار قابل توجهی از آنان همسر دار بودند) در جبهه‌های کارزار و تلفات آنان، میزان بیوه‌زنان زیر ۳۰ سال نسبت به سال ۱۳۵۵ به‌طور بی‌سابقه‌ای دو برابر افزایش یافته و به سطح ۴/۴ درصد

جدول ۵. درصد بیوه‌زنان تا ۳۰ سالگی، تا ۴۰ سالگی و ۴۰ سال به بالا در شهر تهران (۱۳۱۱) و کل کشور سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۲

تهران ۱۳۱۱	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۲
۴/۱	۱/۸	۲/۳	۴/۴	۲/۴	۱/۶
۱۵/۷	۷/۲	۷/۲	۱۰/۵	۸/۵	۷
۸۴/۳	۹۲/۸	۹۲/۸	۸۹/۵	۹۱/۵	۹۳

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۱۱ تهران و کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

رسیده است که بعداً در شرایط غیرجنگی این میزان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ به سرعت تنزل یافته است. افزایش درصد بیوه‌زنان زیر ۴۰ سال در سال ۱۳۶۵ چشمگیر است که این نیز می‌تواند از نتایج مستقیم تلفات مردان و شوهران در جنگ تحمیلی قلمداد شود.

اهمیت نسبی بیوه زنان در گروه‌های سنی

بررسی درصد بیوه زنان حاکی از ترقی این میزان از گروه‌های سنی جوان در جهت گروه‌های سنی سالخورده است. با این وجود همراه با گذشت زمان و از یک تاریخ به تاریخ بعدی شاهد کوچک‌تر شدن دامنه و سرعت این ترقی هستیم. مثلاً در سرشماری ۱۳۳۵ این دامنه از گروه

جدول ۶. امید زندگی مردان و وسعت دامنه درصد بیوه زنان از گروه سنی ۱۵-۱۹ سال تا ۶۵ ساله به بالا در شهر تهران (۱۳۱۱) و کل کشور سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲

سال	امید زندگی مردان	دامنه درصد بیوه‌زنان از گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله تا ۶۵ به بالا
تهران ۱۳۱۱	۳۸	۸۸/۸
۱۳۳۵	۴۸/۳	۷۱/۸
۱۳۴۵	۵۳/۵	۷۱/۳
۱۳۵۵	۵۸/۲	۶۴/۱
۱۳۶۵	۶۵	۵۹/۶
۱۳۷۵	۶۹	۵۴/۵
۱۳۸۲	۷۰	۵۳

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۱۱ تهران و کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

سنی ۱۵-۱۹ تا ۶۵ ساله به بالا از ۰/۲ درصد تا ۷۲ درصد است. به تدریج در طول زمان این فاصله و دامنه درصد بیوه زنان محدودتر می‌شود، به طوری که در سرشماری ۱۳۷۵ از ۰/۱ درصد تا ۵۴/۶ درصد بیشتر نیست. به طور کلی تحول و کوچک‌تر شدن این دامنه‌ها از سال ۱۳۱۱ (تهران) تا آمارگیری اشتغال ۱۳۸۲ از گروه سنی ۱۵-۱۹ تا ۶۵ ساله به بالا در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

هم زمانی این کاهش دامنه درصد بیوه زنان از جوانی تا سنین ۶۵ ساله به بالا با افزایش امید زندگی مردان می‌تواند مؤید تأثیر بالا رفتن عمر متوسط مردان و شوهران در جهت طولانی‌تر شدن سال‌های شوهرداری زنان و در نتیجه افت تدریجی درصد بیوه‌زنان در سنین قبل از سال‌خوردگی باشد. جدول شماره ۶ این رابطه معکوس را مشخص می‌سازد. همچنین این رابطه معکوس در مورد هشت کشور از قاره‌های مختلف جهان و در تاریخ‌های متفاوت (C.I.C.R.E.D ۱۹۷۴)، همانند آنچه در ایران مشاهده شده، قابل ملاحظه و تأیید است و در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷. امید زندگی مردان و درصد بیوه‌زنان ۱۵ ساله به بالا در چند کشور نمونه

نام کشور	۱۹۵۰		۱۹۶۰		۱۹۷۰	
	امید زندگی مردان	درصد بیوه‌زنان	امید زندگی مردان	درصد بیوه‌زنان	امید زندگی مردان	درصد بیوه‌زنان
ایالات متحده	۵۶/۶	۱۴	۶۶/۶	۱۲/۸	۶۷	۱۲
امریکا	۳۰/۳۲	۹/۹	—	—	۵۲/۳	۸/۵
برزیل	۶۶/۳	۹/۸	۶۸/۳	۹/۵	۶۸/۸	۹/۳
کانادا	—	—	۳۶/۲	۳۵/۱	۵۱/۲	۳۷/۶
هندوستان	۶۳/۲	۱۲/۷	۶۷/۳	۱۲/۸	—	—
ایتالیا	—	—	۵۲/۹	۷/۸	۵۶/۳	۶/۶
فیلیپین	—	—	۱۳۶/۶	۸/۵	۵۱/۶	۶/۷
تونس	—	—	۲۴۶/۵	۱۲/۳	۵۲/۳	۱۱/۷
ترکیه	—	—	—	—	—	—

منبع: (C.I.C.R.E.D 1974).

علاوه بر مطالعه درصد بیوگان در زنان ۱۰ یا ۱۵ ساله به بالا، مطالعه آنها در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۴۰ ساله (همان‌گونه که اشاره رفت) در سال ۱۳۶۵ استثنائاً حاکی از جهش درصد بیوگان در سال مزبور است. به طوری که در شش گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله تا ۳۵-۳۹ ساله در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ شاهد تنزل و افت اهمیت نسبی بیوه زنان هستیم. لیکن در سال ۱۳۶۵ به

یک‌باره در این شش گروه بدون استثنا یک خیز و جهش بارز در مقدار درصد بیوه زنان و سپس بعد از خاتمه جنگ در سرشماری ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲ دوباره گرایش به افت درصد بیوگان در این گروه‌های سنی ظاهر می‌شود.

این خصوصیت افزایش درصد بیوگان در نزد زنان ۴۰ ساله به پایین در سال ۱۳۶۵ نماینده دامنه و حدود سنی شوهران این بیوه‌زنان است که قاعداً (با توجه به مسن‌تر بودن شوهران نسبت به زوجه‌ها) می‌توان گفت که اکثر این شوهران جان‌باخته در صحنه‌های جنگ در سنین زیر ۴۵ سالگی قرار داشته و رقم بزرگی از تلفات مردان همسردار را تشکیل داده‌اند.

در جدول شماره ۸ درصد بیوه‌زنان در گروه‌های سنی مختلف از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۲ ملاحظه می‌شود و همچنین توضیحاتی که درباره گروه‌های سنی شش‌گانه ۱۰-۱۴ تا ۳۵-۳۹ ساله بیان گردید و جهش مربوط به درصدهای سال ۱۳۶۵ در آن قابل مشاهده است.

جدول ۸. درصد بیوه‌زنان ۱۰ ساله به بالا در گروه‌های سنی پنج‌ساله در شهر تهران (۱۳۱۱) و کل کشور (سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲)

گروه‌های سنی	تهران ۱۳۱۱	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	زمان جنگ ۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۲
۱۴-۱۰	—	—	—	—	۰/۱	۰/۱	—	—
۱۹-۱۵	۰/۴	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۳	۰/۲	۰/۱	—
۲۴-۲۰	۲/۰	۰/۷	۰/۶	۰/۵	۰/۸	۰/۵	۰/۳	۰/۲
۲۹-۲۵	۴/۳	۲/۱	۱/۰	۱/۰	۱/۳	۰/۹	۰/۷	۰/۶
۳۴-۳۰	۸/۸	۲/۳	۲/۳	۱/۹	۲/۱	۱/۷	۱/۵	۱/۳
۳۹-۳۵	۱۴/۴	۹/۰	۴/۴	۳/۴	۲/۵	۲/۹	۲/۹	۲/۶
۴۴-۴۰	۳۰/۳	۹/۳	۷/۰	۷/۰	۵/۸	۵/۱	۵/۱	۵/۱
۴۹-۴۵	۴۱/۸	۲۸/۰	۱۵/۹	۱۱/۹	۹/۶	۸/۲	۸/۴	۷/۸
۵۴-۵۰	۶۵/۵	۲۹/۹	۲۱/۴	۱۵/۷	۱۲/۹	۱۲/۹	۱۲/۲	۱۲/۹
۵۹-۵۵	۵۹/۵	۵۰/۰	۳۵/۹	۳۰/۷	۲۵/۰	۲۰/۹	۱۹/۵	۱۹/۰
۶۴-۶۰	۸۴/۶	۵۵/۰	۴۷/۷	۳۶/۶	۳۴/۷	۲۹/۴	۲۹/۴	۳۰/۰
۶۵+	۸۹/۲	۷۲/۰	۷۱/۵	۶۴/۳	۵۹/۹	۵۶/۸	۵۴/۶	۵۳/۰
کلینة سنین	۱۴/۹	۱۵/۰	۱۰/۸	۸/۱	۷/۱	۶/۰	۶/۰	۵/۹

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۱۱ تهران و کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و آمارگیری ۱۳۸۲

در مورد اهمیت نسبی و درصد بیوه‌زنان در کلیهٔ سنین می‌توان گفت که تلفات ناشی از جنگ از سرعت افت درصد بیوگان کاسته است. مثلاً در حالی که در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ و ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ این افت درصد به ترتیب $\frac{4}{2}$ و $\frac{2}{7}$ بوده، از ۱۳۵۵ به ۱۳۶۵ افت به یک رقم تنزل یافته و در حقیقت آهنگ کاهش درصد بیوگان کند شده است. به هر حال داده‌های سرشماری‌ها بر این دلالت می‌کند که مقدار درصد بیوگان در کلیه سنین (همراه با افزایش امید زندگی مردان و شوهران) در حال میل کردن به درصدهای حداقل و سطوح مجانب^۱ برای سال‌های ۱۳۷۰ به بعد است.

شاخص مقایسه‌ای شمار و حجم بیوه‌زنان

مقایسه شاخص‌های افزایش حجم کل جمعیت و نیز افزایش شمار زنان ده ساله به بالا با شاخص ترقی حجم کل بیوه‌زنان ده ساله به بالا حاکی از این است که شاخص اخیر سرعت کمتری را در سرشماری‌های مختلف نسبت به دو شاخص اول نمایان می‌سازد. گفتنی است که دو شاخص اول (شاخص حجم کل جمعیت و شاخص حجم کل زنان ده ساله به بالا) تقریباً موازی با یکدیگر افزایش می‌یابند و در حقیقت افزایش مقدار این دو شاخص اصولاً تابعی از تفاوت میزان‌های موالید و مرگ، یعنی میزان افزایش طبیعی جمعیت است. در حالی که تحولات شاخص حجم و شمار بیوه زنان ناشی از اولاً عوامل اجتماعی منتج به گرایش زنان به ازدواج و ورود به مرحلهٔ شوهرداری است و ثانیاً بیوه‌شدن زن اکثراً در نتیجه سالخورده‌تر بودن شوهر و پایین‌تر بودن امید زندگی اوست. جدول شماره ۹ تحولات سه شاخص فوق‌الذکر را در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود دو شاخص کل جمعیت و کل زنان ده ساله به بالا به‌طور موازی و با سرعت تقریباً یکسان طی ۳۰ ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ افزایش داشته‌اند در حالی که شاخص شمار بیوه زنان ۱۰ ساله به بالا به‌طور بارز دارای سرعت کمتر و افزایش کمتری است.

علاوه بر مطالعه کل بیوه زنان ده ساله به بالا، بررسی شاخص رقم بیوه زنان در گروه‌های سنی جوان ما را در شناخت تأثیر جنگ تحمیلی در افزایش شمار بیوه‌زنان جوان یاری می‌دهد. بدین منظور رقم بیوگان سال ۱۳۴۵ را مساوی ۱۰۰ فرض کرده و بر آن اساس روند افزایش نسبی آنان را در چهار گروه سنی پنج‌ساله ۱۵ تا ۳۵ سالگی در سرشماری‌های بعدی تا سال ۱۳۷۵ بررسی می‌کنیم (جدول شماره ۹).

1. Asymptotic

جدول ۹. شاخص‌های افزایش تعداد کل جمعیت، زنان ده‌ساله به بالا، بیوه‌زنان در کل و گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۴ ساله در ایران سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵

شاخص	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
کل جمعیت کشور	۱۰۰	۱۳۱	۱۹۲	۲۳۳
زنان ده‌ساله به بالا	۱۰۰	۱۴۰	۱۹۶	۲۸۰
کل بیوه‌زنان	۱۰۰	۱۰۶	۱۳۰	۱۵۶
بیوه‌زنان در گروه‌های سنی:				
۱۹-۱۵	۱۰۰	۱۳۰	۳۷۳	۱۸۰
۲۴-۲۰	۱۰۰	۱۳۷	۳۰۵	۱۵۴
۲۹-۲۵	۱۰۰	۱۲۵	۲۷۰	۱۹۸
۳۴-۳۰	۱۰۰	۸۹	۱۶۷	۱۶۷

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ کشور

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله بیوه‌زنان سرعت بالا رفتن شاخص ۱۰۰ در سال ۱۳۴۵ به ۱۳۰ در ۱۳۵۵ موزای و مساوی با رشد کلی جمعیت کشور طی این ده ساله مورد بحث است، در حالی‌که در سال ۱۳۶۵ یعنی در بحبویه جنگ اندازه شاخص در این گروه سنی به ۳۷۳ جهش می‌یابد که بیش از تأثیر میزان رشد جمعیت است. چنین افزایش بارزی در شاخص بیوه زنان ۱۵-۱۹ ساله (و دو گروه سنی پنج‌ساله بعدی) ناشی از تلفات شوهران این زنان جوان طی سال‌های جنگ است. به‌طور مثال برای برآوردی از اضافه بیوگان در نتیجه جنگ در گروه سنی فوق (۱۵-۱۹ ساله)، چنانچه شاخص‌های سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ را به عنوان شاخص سال‌های غیرجنگی و ختم مخاصمات بگیریم، به فرض خطی بودن تحول این شاخص، باید برای سال ۱۳۶۵ به جای ۳۷۳، شاخص را مساوی ۱۵۵ می‌داشتیم. یعنی به جای ۷۷۸۳ بیوه‌زن سرشماری شده گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله بایستی ۳۲۴۴ بیوه‌زن گزارش می‌شد.

بدین ترتیب تعداد و شمار افزون بر انتظار بیوه‌زن در گروه سنی ۱۵-۱۹ در حد ۴۵۳۹ نفر برآورد می‌شود که نتیجه تلفات شوهران این زنان در صحنه‌های جنگ می‌باشد. به‌طور کلی در حالی‌که افزایش تعداد کل بیوه زنان از ۱۳۴۵ به ۱۳۵۵ مساوی ۶ درصد بوده این افزایش از ۱۳۵۵ به ۱۳۶۵ به ۲۳ درصد رسیده است. مقدار و روند شاخص افزایش بیوه زنان می‌تواند ما را در تخمین تعداد اضافه بر حد انتظار بیوگان یاری رساند. بدین ترتیب که چون شاخص شمار کل بیوه‌زنان از ۱۳۴۵ به ۱۳۵۵ مساوی ۱۰۶ است، به فرض ادامه همین روند طی ده سال بعد،

بایستی به جای ۱,۱۲۳,۰۸۴ بیوه زن گزارش شده سرشماری ۱۳۶۵، رقم ۹۶۷,۴۱۴ بیوه زن می‌داشتیم که بر این اساس فزونی رقم مشاهده شده نسبت به رقم مورد انتظار ۱۵۵,۶۷۰ بیوه زن است. از طرفی چون این رقم اخیر ناشی از تلفات شوهران طی ۶ سال تا ۱۳۶۵ می‌تواند باشد با فرض استمرار این روند برای دو سال آخر جنگ، تعداد کل اضافه بیوه زنان ناشی از ۸ سال جنگ تحمیلی در حدود دویست هزار نفر برآورد می‌شود. ضمناً در صورت صحت فرضیات فوق، این برآورد به عنوان شمار تقریبی شوهران جان باخته در طی جنگ تحمیلی نیز می‌تواند تلقی شود.

میانگین سنی بیوه‌زنان

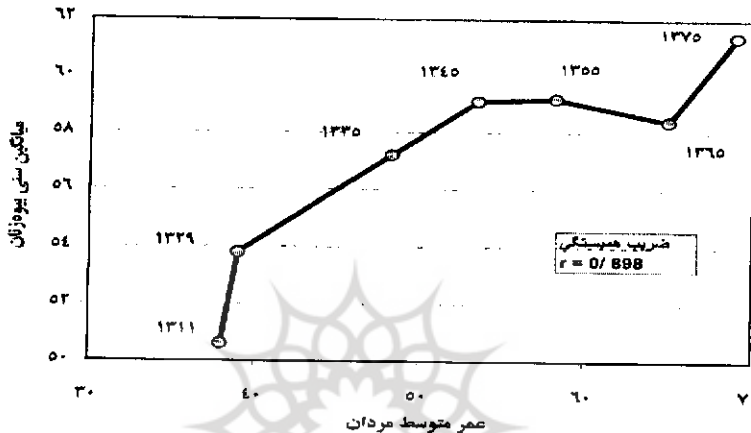
داده‌های سرشماری‌ها و برخی آمارگیری‌ها امکان محاسبه میانگین سنی بیوه زنان را در هنگام اجرای این سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها به دست می‌دهد. توجه به این امر لازم است که افزایش طول عمر مردان (و در نتیجه شوهران) در بالا رفتن میانگین سنی بیوه زنان تأثیر مهمی دارد، چرا که بالا رفتن عمر مردان در حقیقت زنان همسر دار را دیرتر و در سنین بالاتر به قلمرو بیوگی سوق می‌دهد.

از سال ۱۳۱۱ (تهران) تا سال ۱۳۷۵ همزمان با افزایش طول عمر مردان شاهد ترقی میانگین سنی بیوه‌زنان کشور هستیم. لیکن در سال ۱۳۶۵ در شرایط جنگی و تلفات مردان و شوهران، این سیر بالا رونده متوقف گردیده و حتی سیر نزولی داشته است. به طوری که سن متوسط بیوه زنان که در سال ۱۳۵۵ مساوی ۵۹/۲ سال بوده، در سال ۱۳۶۵ (تحت شرایط جنگی) به ۵۸/۴ سال تنزل یافته و سپس در شرایط عادی پس از جنگ دوباره سیر صعودی خود را بازیافته و در سرشماری سال ۱۳۷۵ به ۶۱/۴ سال رسیده است. این بستگی و رابطه مستقیم و مثبت بین سن متوسط بیوه زنان و عمر متوسط مردان و شوهران را می‌توان در نمودار شماره ۱ ملاحظه نمود.

البته همان‌گونه که می‌دانیم شاخص سن متوسط یا میانگین سنی بیوه‌زنان که بر اساس داده‌های سرشماری یا آمارگیری‌ها محاسبه شده است، نماینده این وضعیت فقط در زمان سرشماری یا آمارگیری است و تاریخچه بیوگی زنان را به دست نمی‌دهد. زیرا یک زن ممکن است بیش از یک بار وضعیت و موقعیت بیوگی را در طول زندگی زناشویی خویش تجربه و زیست کرده باشد. در نتیجه، داده‌های سرشماری‌ها و آمارگیری‌های مقطعی نماینده کل وضعیت بیوگی نیست و برای مطالعه بیوگی در طول زندگی زناشویی از آغاز تا آخرین بیوگی بایستی

پژوهش‌های ویژه با نگرش تاریخیچه و روش طولی^۱ انجام پذیرد. با این وجود نتایج حاصل از سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها تصویر و گزارش مقطعی^۲ جالبی را از این امر اجتماعی به دست می‌دهد.

نمودار ۱. میانگین سنی بیوه‌زنان و عمر متوسط مردان ایران از ۱۳۱۱ تا ۱۳۷۵



منبع: مقادیر امید زندگی مردان (محور افقی) بر اساس نشریه دفتر جمعیت سازمان ملل متحد، World Population Prospect، ۱۹۹۵ (داده‌های مربوط به ایران) اتخاذ شده و برای سال ۱۳۱۱ به وسیله نگارنده برآورده شده است.

در این سری و زنجیره میانگین‌های سن بیوگان، در شرایط عادی و در غیاب شرایط جنگی، میانگین مورد انتظار سال ۱۳۶۵ می‌توانست حد وسط میانگین سال‌های ۱۳۵۵ (۵۹/۲ سال) و ۱۳۷۵ (۶۱/۴ سال) باشد:

$$\text{سال } 3/60 = (61/4 + 59/2) / 2$$

در حالی که میانگین مشاهده شده یعنی ۵۸/۴ سال فاصله قابل توجهی را با حد مورد انتظار نشان می‌دهد که نزدیک به ۲ سال است. در این زمینه می‌توان گفت که وضعیت و شرایط جنگی و تلفات منتج از جنگ تحمیلی به‌طور استثنایی موجب معکوس شدن روند متعارف بین سال‌های سرشماری و کاهش میانگین سن بیوگی زنان در سرشماری ۱۳۶۵ شده است.

سواد و بیوگی زنان

عامل باسوادی در خانواده و به‌خصوص نزد زن و شوهر می‌تواند شرایط مطلوب‌تری را برای اعضای خانواده و از آن جمله شوهر از لحاظ بهداشت و درمان فراهم آورد و بر طول عمر او بیفزاید. در چنین خانواده‌هایی سال‌های شوهرداری زنان در نتیجه افزایش یافته و درصد بیوه‌زنان پایین می‌آید.

اما عامل بی‌سوادی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم شرایط بهداشت و درمان را در خانواده نامطلوب سازد که نتیجه آن کاهش طول عمر شوهران نیز است. در چنین شرایطی بر میزان بیوگی زنان افزوده می‌شود. ضمناً باسوادی زنان یا بی‌سوادی آنان تا حدود قابل توجهی نمایانگر وضع سواد شوهران آنان نیز هست و احتمال این‌که باسوادی زن همراه با باسوادی شوهر باشد زیاد است و عکس این وضعیت نیز بسیار محتمل است.

در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و آمارگیری فراگیر ۱۳۷۰، ارقام بیوگی زنان بر حسب سواد آنان گزارش و ارائه شده است. بررسی این داده‌ها در گروه‌های سنی مختلف زنان حاکی از این است که زنان باسواد در تمام گروه‌های سنی به‌طور بارز کمتر در وضعیت بیوگی قرار دارند. به‌طور مثال در آمارگیری سال ۱۳۷۰ و سرشماری ۱۳۷۵ این سطح پایین‌تر درصد بیوگی نزد زنان باسواد در گروه‌های سنی مختلف ملاحظه می‌شود (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰. درصد بیوگی زنان باسواد و بی‌سواد در گروه‌های سنی زنان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۰

سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۷۰		گروه‌های سنی زنان
زنان بی‌سواد	زنان باسواد	زنان بی‌سواد	زنان باسواد	
۰/۳	۰	۰/۹	۰	۱۴-۱۰
۰/۴	۰	۰/۶	۰/۱	۱۹-۱۵
۰/۷	۰/۲	۰/۹	۰/۲	۲۴-۲۰
۱/۲	۰/۶	۱/۲	۰/۸	۲۹-۲۵
۲/۲	۱/۳	۲/۱	۱/۴	۳۴-۳۰
۳/۷	۲/۴	۳/۴	۲/۲	۳۹-۳۵
۶/۲	۴/۱	۵/۹	۴/۰	۴۴-۴۰
۹/۴	۶/۹	۹/۰	۶/۴	۴۹-۴۵
۱۴/۴	۱۰/۹	۱۴/۸	۱۰/۹	۵۴-۵۰
۲۰/۳	۱۷/۰	۲۱/۸	۱۶/۹	۵۹-۵۵
۳۰/۱	۲۵/۰	۳۵/۶	۲۸/۰	۶۴-۶۰
۵۵/۵	۴۷/۰	۵۹/۷	۴۲/۲	۶۵+
۱۷/۱	۱/۶	۱۳/۶	۱/۵	کلیه سنین

منبع: محاسبه شده براساس نتایج آمارگیری ۱۳۷۰ و سرشماری ۱۳۷۵

به طوری که از این جدول استنباط می‌گردد در حالی که طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ برای کلیه سنین درصد بیوگی زنان با سواد در سطح ثابتی قرار دارد، نزد زنان بی‌سواد درصد بیوگی رو به افزایش است. این افزایش می‌تواند بیانگر آن باشد که همراه و همزمان با بی‌سوادی، فقر و محرومیت از بهداشت و درمان مناسب نیز دامن‌گیر زوجین محروم از سواد بوده است.

شهرنشینی بیوه‌زنان

همراه و موازی با افزایش میزان شهرنشینی کل جمعیت کشور، میزان شهرنشینی بیوه‌زنان نیز با کمی برتری بر میزان شهرنشینی کل جمعیت، طی ۴۰ ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ بالا رفته است. اگر میزان شهرنشینی بیوه زنان در سرشماری ۱۳۶۵ (در وضعیت و شرایط جنگی) را که جهش قابل توجهی یافته است نادیده بگیریم دو میزان مورد بحث به طور منظم به هم نزدیک شده‌اند. به نحوی که از تفاوت ۶/۵ رقم در سرشماری ۱۳۳۵ به ۰/۹ رقم در سرشماری ۱۳۷۵ می‌رسیم.

احتمالاً این برتری شهرنشینی بیوه‌زنان نسبت به شهرنشینی کل جمعیت می‌تواند مبین این باشد که نظر به مناسب‌تر بودن شرایط درمانی و مواظبت‌های پزشکی در نواحی شهری، یک حرکت مهاجرتی و تغییر مکان نزد خانواده‌های روستایی به سوی شهرها جهت معالجه و درمان‌یابی شوهرائی که بیمار هستند، انجام می‌یابد. در این جریان چنانچه برخی از این شوهران درمان نشوند و فوت کنند، همسران اقامت‌گزیده آنان در شهرها جزء بیوه‌زنان شهری به حساب می‌آیند و در صورت اقامت طولیل یا قطعی این بیوه زنان در شهرها میزان شهرنشینی بیوه زنان، ولو ناچیز اما به طور محسوس، افزایش می‌یابد.

ملاحظه برتری روند و میزان شهرنشینی بیوه‌زنان بر شهرنشینی کل جمعیت در سال ۱۳۶۵ (تحت شرایط جنگی) که یک‌باره به جای روند رو به کاهش تفاوت، افزایش تفاوت را نشان می‌دهد (افزایش تفاوت از ۲/۲ در سال ۱۳۵۵ به ۲/۸ در سال ۱۳۶۵)، می‌تواند این باشد که تا سال سرشماری ۱۳۶۵، با توجه به وضعیت جنگی، شماری از خانواده و شوهرائی که به منظور درمان جراحات جنگی به شهرها نقل مکان کرده ولی درمان آنان به نتیجه نرسیده است تعداد بیوه زنان شهری را بالا برده و میزان بیشتری را نزد این بیوه زنان نسبت به شهرنشینی کل جمعیت موجب شده است. همچنین ممکن است سهم شهرنشین‌ها در جبهه‌های نبرد بیشتر بوده که منجر به شهادت رسیدن بیشتر مردان متأهل شهری نیز شده است. همچنین طول عمر زنان شهرنشین بیشتر و بنابراین مدت بیوگی آنها طولانی‌تر است.

در جدول شماره ۱۱ روند میزان‌های شهرنشینی بیوه زنان و میزان‌های شهرنشینی کل

جمعیت و نیز برتری میزان‌های نخستین بر دومین طی سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ ملاحظه می‌شود.

جدول شماره ۱۱. میزان شهرنشینی بیوه زنان و میزان شهرنشینی کل جمعیت کشور (درصد)

تاریخ سرشماری	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
میزان شهرنشینی بیوه‌زنان	۳۷/۹	۴۲/۲	۴۹/۱	۵۷/۱	۶۲/۲
میزان شهرنشینی کل جمعیت	۳۱/۴	۳۹/۱	۴۶/۹	۵۴/۳	۶۱/۳
برتری میزان بیوه‌زنان بر میزان کل جمعیت	۶/۵	۳/۱	۲/۲	۲/۸	۰/۹

منبع: محاسبه شده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ کشور

در مورد روند کوچک‌تر شدن تفاوت بین شهرنشینی کل جمعیت و شهرنشینی بیوه زنان این احتمال و فرض وجود دارد که در نتیجه بهبود تدریجی شرایط درمانی در نقاط غیر شهری طی ۴۰ سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، از سرعت نقل مکان و مهاجرت شوهران و خانواده آنان جهت درمان‌یابی به نقاط شهری کاسته شده و وقوع و حدوث بیوگی زنان در همان نقاط روستایی و غیرشهری انجام یافته است.

میانگین سال‌های زندگی زناشویی و سن بیوگی زنان

یکی از ویژگی‌های جداول عمر این است که در یک سن معین، باقی‌مانده سال‌های زیست افراد را به دست می‌دهد. بدین ترتیب جدول عمر ابزاری است برای این‌که بدانیم از سن ازدواج یک زن با شوهر خود، مدت زمان دوران زناشویی و زندگی مشترک بدون وقفه این زوج چند سال خواهد بود و این زن مورد بحث به تبع سن ازدواج شوهر و باقی‌مانده سال‌های عمر شوهر در چه سنی احتمال بیوه‌شدن برایش وجود دارد. در پرتو جدول عمری که به‌طور کامل و دقیق برای سنین مختلف زنان و مردان جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵ کشور تدوین شده است (زنجان ۱۳۷۹)، امکان مطالعه و شناخت طول زندگی مشترک زناشویی و سن حدوث بیوگی زنان حاصل می‌شود.

بر اساس سالنامه آماری ایران (۱۳۸۱) سن متوسط اولین ازدواج زنان و مردان در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۲/۴ و ۲۵/۶ سالگی بوده است. هم‌چنین طبق جدول عمر ۱۳۷۵ فوق‌الذکر امید زندگی یا باقی‌مانده عمر برای زنان در سن ۲۰ سالگی (e_{۲۰}) مساوی ۵۲/۶ سال و برای

مردان در ۲۵ سالگی (e_{۲۵}) مساوی ۴۶ سال است. به یاری روش میان‌گیری^۱ بین ۲۰ تا ۲۵ سالگی برای زنان و بین ۲۵ تا ۳۰ سالگی برای مردان مقدار (e_x) (باقی‌مانده عمر) در سن ازدواج زنان و مردان برابر با مقادیر زیر برآورد می‌شود.

— امید زندگی یا عمر متوسط زنان در ۲۲/۴ سالگی: ۵۰/۴ سال

— امید زندگی یا عمر متوسط مردان در ۲۵/۶ سالگی: ۴۵/۴ سال

بر این اساس در شرایط سال ۱۳۷۵ همانندسازی^۲ وضعیت نشان می‌دهد که در کشور ما چنانچه یک زن در سن متوسط ازدواج (۲۲/۴) با یک مرد در سن متوسط ازدواج (۲۵/۶) پیمان زناشویی ببندد و بدون وقفه زندگی مشترک آنان ادامه یابد، به‌طور تئوریک و نظری این زن مدت ۴۵/۴ سال از عمر متوسط باقی‌مانده خود یعنی ۵۰/۴ سال را (معادل ۹۰ درصد) در شرایط همسررداری و زوجیت به‌سر می‌برد. به‌عبارت دیگر این زن در سن ۶۷/۸ سالگی (۶۷/۸ = ۲۲/۴ + ۴۵/۴) بیوه می‌شود و تا پایان کل عمر خود (۷۲/۸ = ۲۲/۴ + ۵۰/۴) تقریباً به مدت پنج سال در شرایط بیوه‌زنی به سر خواهد برد.

با این وجود باید توجه داشت که اصولاً عمر متوسط و امید زندگی مردان و زنان در کشور ما مثل سایر جوامع مشابه رو به افزایش است و از طرف دیگر سن اولین ازدواج زنان و مردان نیز تحت تأثیر تحولات اجتماعی - اقتصادی در حال بالا رفتن است، بدون این‌که لزوماً این دوروند (طول عمر و سن ازدواج) موازی یکدیگر باشند. مثلاً اگر طی ده سال به مقدار ۲ سال به عمر متوسط زنان افزوده شود، سن متوسط ازدواج اینان لزوماً به مقدار ۲ سال بالا نخواهد رفت. شایسته توجه است که در امر افزایش طول عمر مردان و زنان و نیز سن متوسط اولین ازدواج آنان در یک طول زمان و افق قابل محاسبه و پیش‌بینی به حدود ماکزیمم و سقف ثبات نسبی می‌توانیم برسیم، به‌طوری که سقف ثابت طول عمر تابعی از پیشرفت‌های طبی و اکتشافات پزشکی، وضع اقتصادی مردم و کارایی دستگاه بهداشت و درمان می‌تواند باشد. در ضمن سقف و ماکزیمم سن ازدواج مردان و زنان نتیجه شرایط نهایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خواهد بود. در این مورد وقوف و خودآگاهی زوجین در باب ستین پایان دوران باروری زن با توجه به تعداد اطفال مورد تمایل آنان به عنوان یک وزنه تصحیح و کنترل و تصمیم درباره سن ازدواج عمل می‌کند.^۳

به هر حال در سرشماری سال ۱۳۸۵ پژوهشگران کشورمان هم به تدوین جدول عمر جدید

1. Interpolation

2. Simulation

۳. به بیان دیگر سن اولین ازدواج زنان نمی‌تواند نزدیک به سن یائسگی آنان باشد زیرا در این صورت باروری و تعداد اطفال برنامه‌ریزی شده زوجین غیرقابل تحقق است.

برای مردان و زنان و هم به محاسبه سن متوسط اولین ازدواج نزد مردان و زنان همت خواهند گماشت. در آن هنگام است که می‌توانیم با توجه به پارامترهای جدید عمر متوسط و سن متوسط اولین ازدواج در شرایط سال ۱۳۸۵، یک شبکه جدید همانند و در برگیرنده دو عامل فوق را بسازیم و برآوردی از طول دوران همسررداری زنان و نیز سن وقوع بیوگی آنان به دست دهیم.

منابع

- امانی، مهدی (۱۳۸۰) جمعیت‌شناسی عمومی ایران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله و نوراللهی، طه (۱۳۷۹) جداول مرگ و میر ایران برای سال ۱۳۷۵، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۰) گزارش نتایج سرشماری ۱۳۳۵ (مشخصات جمعیت و خانوار)، آمار عمومی، وزارت کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۶) گزارش نتایج سرشماری ۱۳۳۵، جلد ۶۸، سازمان برنامه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۹) گزارش نتایج سرشماری ۱۳۵۵، جلد ۱۸۶، سازمان برنامه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۸) گزارش نتایج سرشماری ۱۳۶۵، جلد ۸، سازمان برنامه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) گزارش نتایج آمارگیری جاری جمعیت، جلد ۱-۲۵، سازمان برنامه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶) گزارش نتایج سرشماری ۱۳۷۵، جلد یک، سازمان برنامه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲) نتایج آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال، سازمان برنامه، تهران.

- C.I.C.R.E.D. Series (1975) "Monographs for U.S. of America, Brazil, Canada, India, Italia, Philippines, Tunisia, Turkey", 1974 (World Population Year, France, Paris.
- Landry, Adolphe (1999) *Traité de Démographie*, France, Paris.
- Mouton & co, Paris, Thèse de doctorat, Sorbonne, Paris.
- Naragui, Ehsan (1960) *Etude des population des pays avec des statistiques incompletes*,
- United Nations (2001) "World Population Prospects", The 2000 revision, volume I, Population Division, New York.